

سرشناسه: همایون، محمدهادی، ۱۳۴۲ - عنوان و نام پدیدآور: تاریخ مُلک مهدوی/محمد مهدی همایون؛ به کوشش مصطفی امیری. مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص؛ شابک: ۷-۵۸۹-۳۴۱-۶۰۰-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: چاپ قبلی: دانشگاه امام صادق (ع)، (۱۳۹۷/۷۵۲) ص. یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۷۳] - ۱۲۷۸: همچنین به صورت زیرنویس. موضوع: مهدویت - Mahdism - دین و تمدن Religion and civilization - تمدن اسلامی - Islamic civilization - تمدن -- تاریخ - Civilization -- پیامبران - Prophets شناسه افزوده: امیری، مصطفی، ۱۳۶۱ شهریور - شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها رده بندی کنگره: BPT۲۲۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۴ شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۲۵۰۹۸



تاریخ ملک مهدوی

گذری کوتاه بر تاریخ تمدن و ملک مهدوی

- مؤلف: محمدهادی همایون ■ به کوشش: مصطفی امیری
- ویراستار: سید علی فرا (گروه متنوک) ■ صفحه آرای: محمدصادق صالحی
- طراح جلد: ابوالفضل رحمانی ■ ناشر: دفتر نشر معارف ■ نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
- تیراژ: ۱۰۰۰ جلد ■ شابک: ۷-۵۸۹-۳۴۱-۶۰۰-۹۷۸ ■ قیمت: ۱۸۵/۰۰۰ تومان

دفتر نشر معارف قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۳۰، تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۰۴

مدیریت پخش (مرکزی) قم، شرکت پاتوق کتاب، تلفکس: ۰۲۵-۳۱۰۷۷

مراکز پخش

- اراک: ۰۲۲۲۹۰۳۸-۰۸۶ ■ ارومیه: ۰۳۸۷۸۴-۶۰۹۱۴ ■ اصفهان: ۰۳۵۰۹۸-۸۰۹۱۳ ■ اهواز: ۰۳۲۲۳۸۰۰۰-۶۱
- بابلسر: ۰۳۵۳۰۵۳۳۵۵-۰۱۱ ■ بجنورد: ۰۳۲۲۵۶۲۲۱-۰۵۸ ■ بردسکن: ۰۵۱۰۱۲۱-۵۵۴۳۰۵۱ ■ بندرعباس: ۰۳۳۶۱۷۵۵۷-۷۶
- بیرجند: ۰۳۲۴۵۸۵۱۲-۰۵۶ ■ تربت حیدریه: ۰۵۱۰۵۲۲۸۶۵۰۰-۰۵۱ ■ تهران: ۰۸۸۹۱۱۲۱۲-۰۲۱
- تهران شهید محلاتی: ۰۲۲۴۵۸۸۰۶-۰۲۱ ■ دهدشت: ۰۹۱۷-۶۶۳۵۸۹۶ ■ رشت: ۰۱۳-۳۲۳۳۴۵۶۹-۰۴
- زاهدان: ۰۳۲۲۸۸۷۹-۰۵۴ ■ زنجان: ۰۳۳۶۶۴۲۵-۰۲۴ ■ ساری: ۰۱۱-۳۳۲۵۳۰۲۰ ■ سبزوار: ۰۴۴۲۲۴۰۰۴-۰۱۳
- سمنان: ۰۳۳۴۵۳۲۱۱-۰۲۳ ■ شیراز: ۰۳۲۳۴۴۶۱۴-۰۷۱ ■ قزوین: ۰۲۸-۳۳۲۴۰۰۷۶ ■ قم صفائیه: ۰۳۷۵-۳۷۷۳۵۰۰۳
- قم پردیسان: ۰۵۰۹۸۹۱-۰۹۱۹ ■ کازرون: ۰۶۸۱۳۰۸۲-۰۹۱۷ ■ کرمان: ۰۳۲۲۳۱۴۶۶-۰۳ ■ کرمانشاه: ۰۳۷۲۳۸۴۱۱-۰۸۲
- گرگان: ۰۳۲۲۳۷۸۸۰-۰۱۷ ■ مشهد شعبه ۱: ۰۳۲۲۲۰۱۱۹ ■ مشهد شعبه ۲: ۰۳۶۰۶۰۸۱۱-۰۵۱
- مشهد شعبه ۳: ۰۳۸۵۵۸۰۱۲-۰۵۱ ■ ملایر: ۰۳۳۳۵۱۲۷۶-۰۸۱ ■ مهر: ۰۶۱۷۲۶۲-۰۹۱۷ ■ نی ریز: ۰۵۳۸۲۱۶۹۰-۰۷۱
- همدان: ۰۸۱۵۶۵۱۸-۰۹۱۸ ■ یاسوج: ۰۳۳۲۲۸۶۲۲-۰۷۴ ■ یزد: ۰۳۷۳۳۲۹۵۰-۰۳۵

www.nashremaaref.ir | E-mail: info@nashremaaref.ir



NashreMaaref_official



کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

مقدمه..... ۱۳

بخش نخست:

نشانه‌های ظهور (۳۱)

بخش نخست:

نشانه‌های ظهور (۳۱)

دو یادگار پیامبر ﷺ..... ۳۱

تلاش علما و شکل‌گیری رویکردهای گوناگون..... ۳۲

جهان معاصر و توجه به نشانه‌های ظهور..... ۳۵

کارکرد نشانه‌های ظهور: رویکرد راهبردی..... ۳۸

دسته‌بندی نشانه‌های ظهور..... ۳۹

تصویر کلی شرایط ظهور: رویکرد تمدنی..... ۴۲

بخش دوم:

دین و تمدن (۴۳)

تاریخ تمدن و جریان حق و باطل..... ۴۳

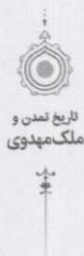
تجلی حق و باطل در تاریخ بشر..... ۴۷

۴۹ قدرت شیطان
۵۳ اصالت جریان حق
۵۴ پیوستگی جریان حق و باطل در طول تاریخ
۵۶ مأموریت پیامبران و شیطان

بخش سوم:

معاد و مهدویت (۶۳)

۶۳ درک ما از معاد
۶۶ حقیقت معاد و جایگاه زمان و مکان
۷۰ معاد و وظیفه انسان در دنیا
۷۳ سرنوشت انسان در دیگر عوالم
۷۴ قیامت کبری
۷۶ معاد و حکومت جهانی اسلام
۷۸ مُلک عظیم آخرالزمان
۷۹ مأموریت شیطان



www.ketab.ir

پیامبران و مهدویت

•••

بخش نخست:

حضرت آدم علیه السلام (۸۵)

۸۵ آفرینش آدم ﷺ و اهمیت خانواده
۸۷ محل آفرینش آدم ﷺ و مُلک عظیم مهدوی
۸۷ آدم ﷺ و فرشتگان
۹۰ آدم ﷺ و شیطان
۹۵ آدم ﷺ در زمین

بخش دوم:

نوح علیه السلام (۹۷)

دعوت نوح علیه السلام و آغاز شریعت..... ۹۷

طوفان نوح علیه السلام و اهمیت راهبردی کوفه در آخرالزمان..... ۱۰۰

بخش سوم:

ابراهیم علیه السلام (۱۰۵)

ظهور ابراهیم بت شکن..... ۱۰۵

معمای تاریخ: هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام به فلسطین..... ۱۰۷

هجرت تمدن ساز و فرزندان ابراهیم علیه السلام..... ۱۰۸

بخش چهارم:

بنی اسرائیل: از اسحاق تا موسی علیهما السلام (۱۱۱)

یعقوب و یوسف علیهما السلام..... ۱۱۱

تبعید اجباری به مصر: نقشه‌های بنی اسرائیل..... ۱۱۱

مصر، چهارمین سرزمین آخرالزمانی..... ۱۱۳

فرانسه و آغاز فراماسونری شیطان..... ۱۱۵

بخش پنجم:

بنی اسرائیل و موسی علیه السلام (۱۱۹)

بنی اسرائیل و فرعون..... ۱۱۹

سختی‌ها و بلاهای بنی اسرائیل برای استقبال از منجی..... ۱۱۹

ظهور منجی؛ مدعیان دروغین زمان حضرت موسی علیه السلام..... ۱۲۱

بعثت موسی و همراهی هارون علیهما السلام..... ۱۲۲

نبودن یار و یاور، علت تأخیر رسالت منجی..... ۱۲۲

موسای نبی علیه السلام در مصر..... ۱۲۵

به سوی سرزمین موعود..... ۱۲۷

تصمیمات اشتباه فرعونیان معاصر..... ۱۲۹

اطلاعات آخرالزمانی..... ۱۳۰

آغاز اختلاف و انحراف..... ۱۳۱

بنی اسرائیل: قوم برگزیده یا گرفتار سنت استبدال؟..... ۱۳۱

www.ketab.ir



- ۱۳۳..... هالیوود و سرمایه‌داری، سامری و قارون معاصر
- ۱۳۳..... فرمان جهاد و آغاز شکست
- ۱۳۶..... نفرین و سرگردانی در تیه
- ۱۳۷..... فرضیهٔ ترور موسی ﷺ

بخش ششم:

بنی اسرائیل؛ از یوشع تا سلیمان علیهما السلام (۱۳۹)

- ۱۳۹..... عصر داوران و ورود به سرزمین مقدس
- ۱۳۹..... عصر پادشاهان

بخش هفتم:

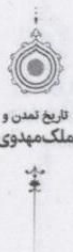
حزب شیطان؛ بنی اسرائیل بعد از سلیمان علیه السلام (۱۴۱)

- ۱۴۱..... ملک سلیمان ﷺ؛ آخرین دورهٔ حکومت پیامبران بر بنی اسرائیل
- ۱۴۳..... مُلک «سلیمان بن داود» بر مُلک عظیم «مهدوی»
- ۱۴۴..... صهیونیسم؛ ادامهٔ جریان جهاد بنی اسرائیل علیه سلیمان ﷺ
- ۱۴۵..... مرئی شدن اجنه؛ نتیجهٔ سحر و جادوی شیاطین انسانی
- ۱۴۶..... مرگ سلیمان و تردید در توانایی اجنه از علم غیب
- ۱۴۶..... آغاز تفرقه و سقوط؛ تبدیل «بنی اسرائیل موسی» به «بنی اسرائیل ابلیس»
- ۱۴۷..... تخریب اول معبد و دوران اسارت بابلی
- ۱۴۹..... سرزمین پنجم، کوروش و آزادی یهود
- ۱۵۶..... بازگشت یهود به فلسطین و تحریف تورات
- ۱۵۷..... رومیان و یهود؛ تخریب دوم معبد

بخش هشتم:

عیسی علیه السلام؛ آخرین اتمام حجت (۱۵۹)

- ۱۵۹..... تولد و ظهور عیسی ﷺ
- ۱۶۲..... عیسی ﷺ و یهود
- ۱۶۲..... مسیح به صلیب کشیده می‌شود؟
- ۱۶۳..... بازگشت مسیح؛ تدبیر الهی در اوج فتنهٔ صهیونیسم بین الملل



تاریخ تمدن و
ملک مهدوی



پولس یهودی و آغاز انحراف در مسیحیت..... ۱۶۴

فصل سوم:

پیامبر آخرالزمان (۱۶۷)

بخش نخست:

فرزندان اسماعیل علیه السلام (۱۶۹)

دورهٔ فترت: پایان بنی اسرائیل، آغاز آخرالزمان..... ۱۶۹

تقابل در سرزمین سوم..... ۱۷۱

محافظت در برابر توطئهٔ قتل..... ۱۷۳

بخش دوم:

ظهور اسلام (۱۷۷)

بعثت پیامبر آخرالزمان و آغاز دعوت..... ۱۷۷

هجرت و آغاز حکومت..... ۱۷۹

جنگ‌های پیامبر ﷺ و حزب شیطان..... ۱۸۱

بخش سوم:

پس از پیامبر صلی الله و علیه و آله (۱۸۷)

دوران فتنه و اختلاف..... ۱۸۷

نفوذ در حکومت خلفا و تغییر اولویت از روم به ایران..... ۱۸۷

صلح با روم و جنگ با ایران در دوران خلفا..... ۱۸۸

بنی‌امیه و تأسیس حزب شیطان در امت..... ۱۸۹

فتنه و اشرافیت..... ۱۹۴

بخش چهارم:

دوران امامان و انتقال مدیریت حزب شیطان از بنی‌امیه به بنی‌عباس (۱۹۷)

بازگشت حق..... ۱۹۷

دوران صبر و مظلومیت..... ۱۹۹



تاریخ تمدن و
ملک‌مهدوی



www.ketab.ir

- ۱۹۹..... ورود به عصر عاشورا.....
- ۲۰۱..... امام سجاد علیه السلام و پیوند علم و اخلاق.....
- ۲۰۲..... باقرین علیهما السلام و سیاست گسترش دانش.....
- ۲۰۳..... امام کاظم علیه السلام و سیاست افزایش نسل.....
- ۲۰۴..... امام رضا علیه السلام و سیاست اوج دادن دانش.....
- ۲۰۶..... امام جواد علیه السلام و پیوند میان علم و غیبت.....
- ۲۰۷..... عسکریین علیهم السلام و سیاست زمینه‌سازی غیبت.....

فصل چهارم:

دوران غیبت (۲۰۹)

بخش نخست:

غیبت صغری و کبری (۲۱۱)

- ۲۱۱..... غیبت صغری.....
- ۲۱۲..... سیر تاریخی علم و فقه در غیبت کبری.....
- ۲۱۴..... حکومت‌های شیعی در غیبت کبری.....

بخش دوم:

تقابل با تمدن اسلامی (۲۱۷)

- ۲۱۷..... حکومت ترکان: آغاز سقوط تمدن اسلامی.....
- ۲۱۹..... جنگ‌های صلیبی.....
- ۲۲۱..... حمله مغول.....
- ۲۲۲..... امپراتوری عثمانی.....

بخش سوم:

تمدن شیطان (۲۲۵)

- ۲۲۵..... رنسانس؛ آغاز تمدن شیطانی غرب.....
- ۲۲۷..... سفرهای دریایی و تصرف آمریکا.....
- ۲۲۹..... داستان تلخ اندلس.....



تاریخ تمدن و
ملک مهدوی



www.ketab.ir

۲۳۱..... ظهور پروتستانتیسیم

بخش چهارم:

سلطه تمدن معاصر غربی بر جهان (۲۳۵)

- ۲۳۵..... برآمدن تمدن غرب؛ اروپا و جهان در قرون جدید
- ۲۳۶..... قرن نوزدهم؛ قرن تمدن غرب
- ۲۳۷..... امپراتوری عثمانی در قرن نوزدهم
- ۲۳۸..... قاجاریه در ایران و نفوذ فراماسونری
- ۲۴۰..... باییت و بهاییت در مقابل مرجعیت
- ۲۴۲..... صهیونیسم؛ حزب جدید شیطان
- ۲۴۳..... جنگ جهانی اول
- ۲۴۵..... جهان در میان دو جنگ
- ۲۴۶..... جنگ جهانی دوم
- ۲۴۸..... جنگی موهوم به نام جنگ سرد
- ۲۵۰..... صنعت شیطان به نام هالیوود
- ۲۵۲..... هجمه غرب به خانواده و ارزش های اخلاقی
- ۲۵۲..... هجوم غرب به علم و دانش

بخش پنجم:

انقلاب اسلامی (۲۵۵)

- ۲۵۵..... انقلاب اسلامی ایران، انفجار نور
- ۲۵۷..... انقلاب اسلامی در آئینه آیات و روایات
- ۲۶۳..... انقلاب اسلامی و مقابله حزب شیطان
- ۲۷۱..... انقلاب اسلامی و ولایت

منابع و مأخذ (۲۷۳)





مقدمه

چند سال پیش، که محو دعای ندبه شده بودم، به راستی دریافتم که این دعا چنان با جدیت، یک خط سیر را دنبال می‌کند که گویی درصدد است موضوعی مهم را بیان کند. دعای ندبه از داستان پیامبران و عهد آنان با خداوند آغاز می‌شود و سپس به قسمت‌هایی از زندگی پیامبران اولوالعزم می‌پردازد: از آدم علیه السلام، که نخستین انسان و نخستین پیامبر بود، و ماجرای سکونت او در جنت و اخراج او از آن مقام شروع می‌شود و آنکه به نوح علیه السلام و ماجرای کشتی و طوفان، ابراهیم علیه السلام و مقام خُلت و ماجرای درخواست او، موسی علیه السلام و ماجرای شب بعثت و درخواست وزیری برای هارون علیه السلام، عیسی علیه السلام و کیفیت ولادت و نقش روح القدس در زندگی او، و سرانجام خاتم پیامبران و آخرین پیامبر اولوالعزم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، می‌پردازد. در ادامه دعا، خط نبوت به خط امامت و ولایت پیوند می‌خورد و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام در این سیر را بیان می‌کند. از این مرحله، جریان دیگری نیز در برابر این بزرگواران در دعا معرفی می‌گردد که سرانجام سبب شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام به دست «اشقی الآخِرین» می‌شود که از «اشقی الاولین» پیروی می‌کند. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که جریان شقاوت نیز از ابتدای دعوت پیامبران وجود داشته‌است. سپس شهادت امام مجتبی علیه السلام و واقعه بزرگ عاشورا بیان می‌شود و بر استمرار این جریان در زندگی فرزندان سیدالشهدا علیهم السلام تأکید می‌گردد. پایان این سیر تاریخی، ظهور

حضرت بقیة الله عنه السلام است که انتقام همهٔ این خون‌ها را خواهد گرفت.

از سوی دیگر، در برخی زیارت‌های سیدالشهدا علیه السلام نیز شاهد جریان مشابهی هستیم. در زیارت وارث، همین سیر، از آدم علیه السلام تا امیرالمؤمنین علیه السلام، دوباره با تأکید بر پیامبران اولوالعزم تکرار شده است و سیدالشهدا علیه السلام وارث همهٔ این بزرگواران معرفی می‌شود. اما در زیارت عاشورا، اگرچه به این سیر اشاره نشده، اما جریان مقابل آن، از «أَوَّلِ ظَالِمٍ» تا «آخِرِ تَابِعٍ»، پیوستگی و دیرینگی جبههٔ روبه‌رو را نشان می‌دهد. همچنین در این زیارت، بر نکتهٔ پایانی دعای نده به تأکید می‌شود: انتقام خون سیدالشهدا در آخرالزمان و به‌دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه. این مسئله در دو قسمت زیارت عاشورا بیان شده است.

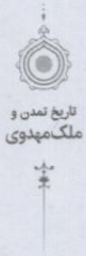
با این وصف در جریان متصل و مستمر بعثت و دعوت پیامبران، بایستی دو نقطهٔ مهم را در نظر گرفت. عاشورا (به‌عنوان نقطهٔ عطف) و ظهور (به‌عنوان نقطهٔ پایانی). روایات مربوط به آخرالزمان و حوادث ظهور نیز همین برداشت را تأیید می‌کنند.^۱ قیام آخرالزمان با انگیزهٔ خون‌ریزی سیدالشهدا علیه السلام صورت می‌گیرد و حتی بر پرچم یاران امام عنه السلام، عبارت «يَا ثَارَاتِ حَسَنِ» نقش بسته است.^۲ این نکته می‌تواند بیانگر چند مسئله باشد:

نخست آن‌که در آن روز، موضوع عاشورا موضوع مشهوری است که برای مردم دنیا شناخته شده است. فرض این‌که مردم جهان در آن روز، با شعاری موهوم و ناشناخته وارد صحنهٔ قیام شوند فرض معقولی نیست. بنابر روایات، این آیه در آن روز، به‌صورت عینی محقق خواهد شد: ﴿وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾؛ (و ببینی که مردم دسته‌دسته در دین خدا درآیند).^۳ در آن روز، مردم

۱. بنگرید به: چهل حدیث از حسین تا مهدی (انتشارات موعود عصر عنه السلام، ۱۳۸۵).

۲. الأمالی (صدوق)، ص ۱۳۰.

۳. سورة نصر، آیه ۲.



دسته‌دسته به قیام حضرت می‌پیوندند، قیامی که هدف آن انتقام عاشورا است. این نکته همچنین نشان‌دهنده آن است که شناخت مردم آن روز از عاشورا، تنها در حد شناخت یک واقعه تاریخی نیست، بلکه در حدی است که می‌تواند انگیزه لازم برای قیامی جهانی باشد. مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام باید برای همه روشن شده باشد. به‌نظر می‌رسد حوادث تروریستی و بمب‌گذاری‌های سال‌های پیش در روز عاشورا و حمله به عزاداران حسینی در کشورهای مختلف جهان، اندک‌اندک در حال فراهم کردن زمینه این شناخت عمیق جهانی است.

دومین نکته‌ای که از این بررسی به‌دست می‌آید شناسایی عاملان اصلی شکل‌گیری واقعه عاشورا در روز ظهور است. انتقام، بدون شناسایی عاملان اصلی واقعه، ممکن نیست. در آن روز، مردم باید متوجه شده باشند که چه فرد یا گروهی دست خود را به سیدالشهدا و اهل بیت پیامبر علیهم السلام آغشته کرده‌است. به این صورت است که می‌توان موضوع خون‌خواهی را مطرح کرد.

اما مهم‌ترین نکته در این نگاه این است که این انتقام سرخم شناخت واقعه و شناسایی عوامل آن، باید معنادار باشد. اگر واقعه و عوامل آن در آخرالزمان برای مردم شناسایی شده باشد، ولی به‌دلیل فاصله تاریخی، همه عوامل آن از بین رفته باشند، دیگر موضوعی برای انتقام باقی نمی‌ماند. پس این فرض مطرح می‌شود که در روز ظهور، باید نسبتی میان دشمنان اصلی امام علیه السلام در آن مقطع و بنی‌امیه (به‌عنوان عاملان اصلی واقعه عاشورا) برقرار باشد. اتفاقاً روایات نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. دشمن اصلی امام علیه السلام در آن روز، شخصی است به نام سفیانی، که از اولاد ابوسفیان یا عتبه برادر ابوسفیان است.^۱ باید توجه داشت که این شخص با دجال، که معمولاً به‌عنوان دشمن اصلی امام علیه السلام مطرح می‌شود، دست‌کم در ظاهر روایات، فرق دارد. نهضت

۱. الغیبة (طوسی)، ص ۴۴۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۴.

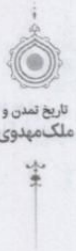


دجال نهضتی گمراه‌کننده است که ظهور و بروز اصلی آن پس از ظهور خواهد بود، اما نهضت سفیانی در آستانه ظهور اتفاق خواهد افتاد.^۱ به نظر می‌رسد این اشتباه از ترجمه متون مسیحی رخ داده باشد. در متون مسیحی، دشمن اصلی مسیح در آخرالزمان شخصی است که او را «ضدمسیح»^۲ نام نهاده‌اند. این واژه، که کاملاً قابل انطباق بر سفیانی است، در فارسی «دجال» ترجمه شده و این مشکل را پدید آورده است.

در اینجا، پرسشی جدی مطرح می‌شود که پاسخی شایسته نیز می‌طلبد: آیا می‌توان سفیانی را در آخرالزمان، نه به جرم خود او (که قیام در برابر حضرت است)، بلکه به جرم اجدادش در واقعه عاشورا محاکمه کرد؟ انتقام از فرزندان مجرم، که هیچ نقشی در جرم نداشته‌اند، به‌ویژه هنگامی که زمانی طولانی از وقوع جرم گذشته باشد، هیچ معنا و توجیهی ندارد. این انتقام تنها در یک صورت معنادار است: زمانی که گذشت زمان، جرم همچنان ادامه پیدا کرده باشد و فرزندان مجرم نیز، خود، مجرم باشند. غصب می‌تواند مثال مناسبی برای این حالت باشد. اگر کسی مالی را از دیگری غصب کند و نسل به نسل به فرزندان او منتقل شده باشد، فرزندان او نیز در صورت علم به غصب در روز نخست، شریک این عمل مجرمانه‌اند و در هر حال، حتی در صورت علم نداشتن به غصب، بایستی مورد غصب را به وارثان مالک واقعی برگردانند. این معنای وراثتی است که در زیارت وارث با آن مواجه می‌شویم و معنای انتقامی است که در آخرالزمان، به صورتی واقعی اتفاق می‌افتد.

بر این اساس، باید بنی‌امیه را غاصبان اصلی چیزی مهم از پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام دانست که از پس عاشورا نیز به حیات و حضور خود ادامه داده‌اند

۱. بنگرید به: «از ظهور تا قیامت»، ماهنامه موعود، ش ۹۷.



و تا روز ظهور، بر گناه خود پافشاری می‌کنند. در روز ظهور، فرزند آخرالزمانی پیامبران در برابر فرزند آخرالزمانی ابوسفیان قرار می‌گیرد و مورد غضب پس گرفته می‌شود. این در حالی است که سفیانی بر گناه پیشینیان خود باقی است و، خود، عامل اصلی آن در آن روز به‌شمار می‌رود. پس با این فرض، باید به این نتیجه رسید که بنی‌امیه در طول تاریخ از بین نرفته‌اند و تا روز ظهور، بر عداوت و دشمنی خود باقی می‌مانند. این دشمنی باید به گونه‌ای باشد که همه تاریخ پس از عاشورا تا روز ظهور را متأثر از خود ساخته باشد.

از سویی دیگر، با مراجعه به روایات مربوط به جنگ‌ها و درگیری‌های آخرالزمان، به نقش جدی یهودیان در آن پی می‌بریم.^۱ مهم‌ترین و سنگین‌ترین جنگ امام زین‌العابدین علیه السلام با یهودیان است نزول حضرت مسیح علیه السلام، به‌عنوان شاهد و اتمام حجت بر اهل کتاب، در این جنگ اتفاق خواهد افتاد. در همین جنگ است که سنگ و درخت نیز علیه یهودیان شهادت می‌دهند و وارد جنگ می‌شوند. در اینجا، ذکر این نکته ضروری است که بیشتر روایات مربوط به جنگ‌های آخرالزمان در مورد جنگ‌هایی است که پیش از ظهور و به عاملیت سفیانی اتفاق می‌افتد. فضای حاکم بر حوادث پس از ظهور، فضای جنگ نیست، آن‌هم جنگی جهانی و گسترده. ظهور، ماجرای «وَرَأَيْتُ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» است و جنگ اصلی با مستکبرانی اندک است، نه مردم جهان. جنگ با یهودیان، جدی‌ترین این جنگ‌هاست (البته باید توجه داشت که منظور از یهودیان در آن جنگ، پیروان دین موسای کلیم علیه السلام نیستند).

با این فرض، دشمن اصلی امام علیه السلام در آخرالزمان کیست و جنگ نهایی با

۱. «ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الدَّجَالَ فَقَالَتْ أُمُّ سُرَيْكٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْنَ النَّاسُ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ بَيْنَتِ الْمَقْدِسِ يَخْرُجُ حَتَّى يَخَاصِرَهُمْ وَ إِمَامُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ رَجُلٌ ضَالِحٌ فَيَقَالُ صَلَّى الضَّبْحُ فَإِذَا كَبُرَ وَ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ نَزَلَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام» (الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، ص ۸۳؛ البداية و النهاية، ج ۱، ص ۱۴۳).



چه گروهی خواهد بود: بنی‌امیه و سفیانی یا یهودیان مستکبر؟ پاسخی که می‌تواند این دو گروه روایات را جمع کند این است که بنی‌امیه و یهودیان دو جلوه از واقعیتی واحد در طول تاریخ‌اند که لفظ «سفیانی» در آخرالزمان، نمایندهٔ آن است. در واقع با تسامح باید گفت که بنی‌امیه‌ای که ما در تاریخ به نام اقوام پیامبر می‌شناسیم یهودی‌اند و در دشمنی با پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، هم با یهودیان آن دوره در ارتباط بوده‌اند و هم در آخرالزمان، سفیانی یهودی از میان آنان خواهد برخاست.

نگاهی به روایات مربوط به سفیانی نیز این موضوع را تأیید می‌کند. منطقهٔ قیام و حضور سفیانی، بنابر روایات،^۱ همین منطقه‌ای است که امروزه تحت سلطهٔ صهیونیسم قرار دارد. سفیانی، طبق برخی روایات، از شام و وادی یابس قیام می‌کند^۲ و بر اساس برخی دیگر، از روم می‌آید، در حالی که به ایمان تظاهر می‌کند و بر کردن مصلحتی دارد.^۳ قیام او از شام، می‌تواند بیانگر ویژگی‌های صهیونیسم یهودی و آمدن او از روم، می‌تواند بیانگر صهیونیسم مسیحی در دورهٔ معاصر باشد. این چنین است که بلفظی را باید نه یک شخص، که یک جریان و حزب دانست که در هر مقطع و شرایطی، اشخاص مختلفی آن را نمایندگی می‌کنند. شباهت دو واژهٔ «سفیانی» و «صهیونی»، که ترجمهٔ عربی «صهیونیسم» است، به شکلی ذوقی می‌تواند بیانگر همین ارتباط در جهان امروز باشد.

به‌عنوان جمع‌بندی اولیه‌ای از این مقدمات، فرضیهٔ نهایی به این صورت خواهد

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ إِذَا اسْتَوَلَى السُّفْيَانِيُّ عَلَى الْكُورِ الْخَمْسِ فَعُدُّوا لَهُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَ زَعَمَ هِشَامُ أَنَّ الْكُورَ الْخَمْسَ دِمَشْقُ وَ فِلَسْطِينُ وَ الْأَزْدُ وَ جَمْصُ وَ حَلَبُ.» (الغيبة (نعمانی)، ص ۳۰۴)

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶.

۳. همان، ص ۲۱۷.



بود که بنی‌امیه و یهود صدر اسلام یکی بوده‌اند (یا دست‌کم با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ داشته‌اند)، این همکاری و دشمنی را تا واقعه‌ی عاشورا به پیش برده‌اند و پس از آن نیز به این دشمنی ادامه داده‌اند و کوشیده‌اند تا با ایجاد حوادث تاریخی و سرنوشت‌سازِ دیگر، جریان تاریخ را به نفع خود تغییر دهند. این دشمنی تا آخرالزمان ادامه خواهد یافت و شرایط سخت و تاریک دوران پیش از ظهور را باید به حاکمیت این جریان نسبت داد، جریانی که در دوران معاصر، صهیونیسم نام گرفته‌است. در واقعه‌ی ظهور، جریان حق علیه این جریان باطل قیام خواهد کرد و عدل و داد را برای همیشه در زمین مستقر خواهد ساخت.

این فرضیه ذهنم را به خود مشغول کرده بود، تا آن‌که پیش از یافتن سند تاریخی این ماجرا که در متن کتاب به آن اشاره شده‌است، متوجه آیات نخستین سوره‌ی اسراء شدیم. در این آیات، سرنوشت بنی‌اسرائیل پیش‌بینی شده و جای تعجب است که هنوز، بهر‌کم روهاریبی بزرگی که پس از انقلاب اسلامی، میان ما و رژیم صهیونیستی جریان دارد تفسیر و بررسی این آیات مورد توجه جدی قرار نگرفته‌است.

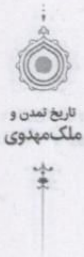
ظاهر آیات یادشده چنین است که بنی‌اسرائیل دو بار در زمین فساد می‌کنند و برتری‌جویی بزرگی از خود نشان خواهند داد. این دو مرتبه فساد، دو پاسخ خواهد داشت. در اولین پاسخ، خداوند بندگانی را بر آنان مسلط خواهد کرد که دارای قدرت زیادی هستند و خانه‌به‌خانه به‌دنبال آنان خواهند بود و این وعده‌ای حتمی است. سپس خداوند بنی‌اسرائیل را از حیث ثروت و تعداد نفرات، بر آن

۱. آیات ۴-۸ سوره‌ی اسراء: ﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا • فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا • ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَوَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا • إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ، وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا • فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيُدْخِلُوا الْمُسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْنَا تَبْئِيرًا • عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ، وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا • وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾.



قوم برتری خواهد داد تا ببیند آنان چگونه رفتار می‌کنند. ظاهراً بنی‌اسرائیل از این فرصت هم نمی‌توانند به خوبی استفاده و خود را اصلاح کنند و نوبت پاسخ دوم می‌رسد. در این هنگام، آن قوم پیکارجو چنان بر آنان سخت می‌گیرند که روی آنان سیاه می‌شود و آثار ترس و بدی در چهرهٔ آنان ظاهر می‌گردد و در واقع رسوا می‌شوند. این قوم در این پیکار، همانند پیکار نخست، وارد مسجد می‌شوند و آن را فتح خواهند کرد. مسجد اشاره شده در این آیات، همان مسجدی است که در صدر سوره، از آن به عنوان «الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» و محل معراج پیامبر اکرم ﷺ یا، به تعبیر دقیق‌تر، مقصد اسراء ایشان یاد شده است. در متن کتاب بیان خواهد شد که این مسجد می‌تواند بیت‌المقدس یا مسجد کوفه باشد.

در ترجمه و تفسیر این آیات و تطبیق آن با تاریخ بنی‌اسرائیل، نکات گوناگونی مطرح شده است. مهم‌ترین مسئلهٔ این تفاسیر، تبیین و معرفی دو فساد بنی‌اسرائیل در تاریخ و گوناگونی آن است. در معرفی دو فساد این قوم، از آنجا که مجموعهٔ فسادهای آنان در تاریخ، بهشی از آن است که بتوان آن را منحصر به دو مورد دانست، تفاسیر دچار مشکلی شده‌اند. این قوم فقط در یک بین‌الطلوعین، ۷۰ پیامبر را به شهادت رسانده‌اند؛ کتاب خداوند را مطابق نظر خود تحریف کرده‌اند^۲ و ...^۳ چگونه می‌توان از میان همهٔ این جنایات‌های ریز و درشت، دو مورد را انتخاب کرد؟ در هر حال، قتل اِشعیای نبی و یحیای تعمیددهنده^۴ از مواردی است که در این خصوص، مورد توجه بیشتری قرار



۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۵. در این روایت، ذکر جنایات یهود در ابتدای حرکت سیدالشهدا^۵ به سمت کوفه و کربلا، از لطائف کلام امام^۶ است.

۲. سورهٔ مائده، آیه ۱۳: ﴿فِيمَا نَقُضُهُمْ وَيَمْتَأْتُهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾.

۳. برای مطالعهٔ بیشتر در این زمینه، به کتاب‌هایی که دربارهٔ سیمای یهود در قرآن نوشته شده است مراجعه کنید.

گرفته‌است. همچنین از آنجا که هیچ‌یک از این فسادها ظاهراً به گسترهٔ زمین نبوده‌است، مفسران ناچار شده‌اند تا کلمهٔ «ارض» را در آیه، ارض بیت‌المقدس و فلسطین بدانند.

اما ابهام درمورد پاسخ این دو فساد، در تفاسیر بیشتر است و در عین حال، نتیجهٔ آن برای ما مهم‌تر. در میان مظلوم‌نمایی‌های این قوم، دو مورد حملهٔ بخت‌النصر (پادشاه بابل) و حملهٔ رومیان به فرماندهی تیتوس، به‌عنوان این دو پاسخ، مورد توجه قرار گرفته‌است. در کنار این دو واقعه، برخی نیز به ماجرای هولوکاست در جریان جنگ جهانی دوم، به‌عنوان پاسخ دوم اشاره کرده‌اند که خوشبختانه امروزه دروغ آن برای همهٔ جهانیان آشکار شده‌است، ضمن این‌که در متن کتاب دروغین بودن کیفیت دو واقعهٔ دیگر نیز پرداخته خواهد شد. بر این اساس، هر دو پاسخ در گذشته اتفاق افتاده‌اند و دیگر این آیات برای ما کارکرد پیش‌بینانه نخواهند داشت.

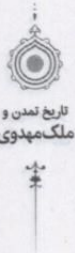
با وجود تردید در اصل صحت این وقایع، در کنار تردید در سببستگی آن برای مصداق آیه واقع شدن، ابهاماتی نیز درمورد این تفسیر وجود دارد. نخستین نکته موضوع موحد بودن و دیانت حمله‌کنندگان به قوم بنی‌اسرائیل است که در آیه از آنان به‌عنوان «عِبَادُ لَنَا» یاد شده که ظهور در ایمان آنان دارد و با ویژگی‌های هیچ‌یک از مصادیق یادشده مطابقت ندارد؛ نه می‌توان بخت‌النصر را عبد خدا دانست، نه تیتوس رومی را و نه حتی هیتلر را. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در المیزان، در ذیل این آیه تلاش کرده‌اند تا استفاده از این واژه را برای غیرمؤمنان نیز در قرآن اثبات کنند؛ اما باید توجه داشت که این استدلال در برابر ظهور آیه قرار می‌گیرد و تا زمانی که نیازی به این توجیه نباشد، نمی‌توان آیه را براساس آن تفسیر کرد.



نکته دوم مربوط به یکی بودن قوم مهاجم در هر دو نوبت است که به سادگی از ظاهر آیات استنباط می‌شود. قومی که در نوبت دوم وارد مسجد می‌شوند همانانی هستند که در نوبت نخست نیز مسجد را فتح کرده بودند. این در حالی است که میان بابلیان، رومیان و آلمانی‌ها تفاوت بسیار است و نمی‌توان آنان را یک قوم به حساب آورد. حتی اگر رومیان و آلمانی‌ها را از یک قوم بدانیم، باز باید در این نگاه، بابلیان را کنار گذاشت. این در حالی است که با توجه به اهمیت داستان حمله بخت‌النصر، هیچ‌یک از تفاسیر، قائل به چنین موضوعی نشده‌اند. اگر داستان حمله بابلیان را از قوم بنی‌اسرائیل بگیریم، بخش بزرگی از تاریخ و هویت این قوم از دست می‌رود.

نکته سوم مربوط به مقطع میان این دو نوبت است. براساس ظاهر آیات، قومی که در حمله نخست بر بنی‌اسرائیل چیره می‌شود، در میان دو حمله، مقهور آنان واقع خواهد شد و مدت زمانی خواهد گذشت تا بتواند در حمله دوم، دوباره بر آنان پیروز شود. این پیش‌بینی به نظر کمی عجیب می‌رسد. تصور شکست از قوم مقهور پس از پیروزی آنان، چیزی است که پای هر قوم فاتحی را در جنگ سست می‌کند، به‌ویژه که این شکست از قوم لجوج یهود باشد که در قرآن کریم، به‌عنوان قومی معرفی شده‌اند که به هیچ عهد و پیمانی پایبند نیستند.^۱

در مجموع ابهام در تفسیر این آیات سبب می‌شود تا نتوانیم به این وقایع، به‌عنوان مصادیق پیش‌بینی آیه اعتماد کنیم. این آیات پیوسته ذهن من را به خود مشغول داشته بودند تا با راهنمایی تفسیر المیزان، به روایتی از امام



۱. سوره مائده، آیه ۱۳: ﴿فِيمَا نَقُضِهِمْ بَيِّنَاتٍ لَعَنَّاكُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾.

صادق علیه السلام در تفسیر برهان برخوردیم.^۱ در این روایت، امام دو فساد بنی اسرائیل را شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و ضربه نیزه‌ای می‌دانند که ران امام مجتبی علیه السلام را مجروح ساخت. اما نکته مهم در این تفسیر این است که «علو کبیر» وصف دو فساد نیست و، خود، واقعه مستقلی است. این واقعه مستقل و برتری جویی بزرگ، واقعه عاشورا است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه، مانند دیگران، از این روایت متعجب می‌شوند، چراکه این آیات مربوط به سرنوشت بنی اسرائیل است و وقایع بیان شده، همگی، در صدر اسلام اتفاق افتاده‌اند. ایشان این موضوع را با توجه به قاعده «حَذُوُّ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ»، این چنین توجیه می‌کنند که امت اسلام نیز، اگر مانند بنی اسرائیل دست به فساد بزند، سرنوشتی مشابه آنان خواهد داشت. اما با در نظر داشتن مطالبی که تا اینجا به‌عنوان یک فرضیه بیان شد، روایت برای ما کاملاً معنادار است و قصد بیان همان چیزی را دارد که پیش از این مطرح شد. بنی اسرائیل و یهود در اسلام، مسئول وقایع و فجایعی هستند که ذکر آن رفت. و از آنجا که این وقایع به‌دست بنی‌امیه اتفاق افتاده‌است، موضوع وحدت این دو قوم نیز موضوعی قابل دفاع می‌نماید.

ادامه این روایت، پاسخ نخست را در آخرالزمان و به‌دست زمینه‌سازان ظهور می‌داند که براساس روایات دیگر، ایرانیان هستند. وعده حتمی در آیه، ظهور امام زمان علیه السلام است که متصل به قیام ایرانیان در آخرالزمان خواهد بود. تا اینجا، با همان پاسخ نخست، که در واقع پاسخ هر دو فساد است، آنچه ما از نابودی این قوم در ذهن داریم محقق خواهد شد. از این‌رو خطاب آیه تغییر می‌کند و اینک، رو به مسلمانان، به آنان وعده فزونی در مال و نفرت می‌دهد و با این تحول، زمان آزمایش جدی قوم پیروز فرا می‌رسد. این آزمایش و پیروزی در آن، ظاهراً مؤمنان را وارد مرحله رجعت (گِزِه) می‌کند و با رجعت

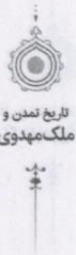
۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۰۲.



سیدالشهدا علیه السلام و یاران بزرگوار ایشان، به‌عنوان پاسخی قاطع برای «علو کبیر» بنی‌اسرائیل، باقی‌ماندهٔ این قوم نیز، که پس از ظهور به حیات و فتنهٔ خود ادامه می‌دهند، نیست و نابود خواهد شد. البته ظاهر آیات نشان می‌دهد که آنچه نابود خواهد شد فتنه‌انگیزی آنان است و افراد قوم باقی خواهند ماند. لذا خداوند حتی در مورد این گروه نیز احتمال رحمت خویش را منتفی نمی‌داند و در عین حال، آنان را تهدید می‌کند که اگر به رفتار گذشتهٔ خود بازگردند، خداوند نیز با آنان همان خواهد کرد که در زمان ظهور و رجعت اتفاق افتاد.

با این فرضیهٔ کلان قدرت‌گرفته، اینک بایستی وارد تاریخ می‌شدم و حوادث پس از عاشورا تا امروز را با این نگاه جدید تحلیل می‌کردم. همان‌گونه که انتظار می‌رفت، به‌رغم جدیت بی‌نظیر این قوم در تحریف تاریخ و از بین بردن ردپای خود در حوادث، معناداری، هدفمندی و پیوستگی از عاشورا و حوادث صدر اسلام تا به امروز آشکارا مشهود است. این پیوستگی به‌گونه‌ای است که می‌تواند ما را به این باور و امید برساند که انقلاب اسلامی ایران، در صورت ادامهٔ جدی مسیر، می‌تواند همان قیام آخرت برای قوم فارس باشد که مقدمات ظهور را فراهم می‌کند.

اما در ادامه، پرسش تازه‌ای پیش‌رویم قرار گرفت: چه شد که بنی‌امیه و بنی‌هاشم در برابر هم قرار گرفتند؟ آیا همان‌گونه که گفته‌اند، این اختلاف یک اختلاف قومی و قبیله‌ای بود؟ و اگر چنین بوده، بنی‌اسرائیل از کجای این ماجرا وارد داستان شده‌اند؟ برای یافتن پاسخ این پرسش نیز ناچار شدم تا دوباره و این بار با این نگاه، حوادث صدر اسلام تا شکل‌گیری بنی‌اسرائیل را بررسی کنم. در اینجا نیز شاهد پیوستگی و اتصال در هر دو جبههٔ حق و باطل هستیم. تا اینجا، فرضیه بر یهود و قوم بنی‌اسرائیل تمرکز داشت. درگیری ما با رژیم غاصب صهیونیستی و موج ضدیهودی که در جهان و از جمله در میان اندیشمندان



انقلاب اسلامی شکل گرفته است نیز همین ایده را تقویت می‌کند. اما پرسش سوم این بود که بنی اسرائیل در آغاز شکل‌گیری یا در طی تحولات خود، این دشمنی را از چه جریانی به ارث برده است؟ در واقع پیش از بنی اسرائیل، جریان جهان بر چه منوالی پیش می‌رفته است؟ آیا می‌توانیم قومی دیگر به جز بنی اسرائیل و یهود را در این دشمنی سهیم و شریک بدانیم؟ یا همه دشمنی با راه خدا، متعلق به این قوم عنود بوده و از زمان آنان آغاز شده است؟ تحقیق برای دریافت پاسخ این پرسش، ما را به جریان خلقت انسان و دشمنی شیطان با او کشاند. اصل این دشمنی از آنجا آغاز شده و یهود و بنی امیه و تمام تجلی‌های تاریخی دیگر این جریان، از جمله فراماسونری و صهیونیسم، همه، متعلق به حزبی هستند که به بیان قرآن کریم، حزب شیطان نامیده شده است.

پس از این بود که با ورود اسلام به عالم جنت برزخی و حوادث آن، شباهت زیادی میان این مقطع و تحولات پس از ظهور یافتیم. لذا در کنار مطالعات تاریخی، قرآنی و روایی، به مطالعات فلسفی و فقهی مورد موضوع مهم معاد و تبیین رابطه ظهور با آن و به‌طور خاص، در دو مقطع رجعت و قیامت پرداختیم. پایان جهان در فضایی بی‌زمان، به شکلی کامل‌تر، به آغاز آن برمی‌گردد و این می‌تواند معنای آیه ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ باشد.

به این ترتیب، نظام کاملی در خصوص داستان زندگی بشر در زمین و آینده آن به دست آمد که پایه‌های آن نه تنها بر علوم استقرایی و تجربی تاریخی، که بر مبانی قرآنی و حکمی نیز استوار شده بود. ماجرای خلقت انسان و زندگی او روی زمین و آینده آن، داستان تقابل دو حزب الله و شیطان است که در قالب رویارویی پیامبران و لشکریان شیطان پیش رفته است. موضوع اصلی این تقابل مهدویت و حکومت جهانی اسلام در آخر الزمان، و نقطه عطف آن عاشورا است.



این برداشت در دورهٔ معاصر می‌تواند به‌عنوان یک تلقی توحیدی و اسلامی، در برابر مطالعات تمدنی معاصر قرار گیرد که براساس آن، زندگی بشر با جهل و شرک روی زمین آغاز شده و در ادامهٔ راه، پس از پشت‌سر گذاشتن دوره‌ای از خداباوری، سرانجام با گسترش دانش بشری، فارغ از تعالیم پیامبران، دین به کنار رفته و انسان محوری به‌جای آن بر قلهٔ تاریخ ایستاده‌است. در نگاه معاصر، رنسانس نقطهٔ عطف تاریخ قرار می‌گیرد.

تفاوت این رویکرد تمدنی با کتاب‌های موجود تاریخ تمدن، در کنار مبانی قرآنی، روایی و حکمی آن، اولاً در افزودن تاریخ ادیان و پیامبران به حرکت تاریخی کاروان بشر به‌عنوان جزئی مهم و تمدن‌ساز است و ثانیاً در تبیین آیندهٔ زندگی بشر در زمین، به گونه‌ای که می‌توان براساس آن، تاریخ را از مجموعهٔ حوادث پراکنده و غیرمرتبط، به سیری از حوادث مرتبط و معنادار تبدیل کرد که به تعبیر قرآن کریم، «سنت» است. مجموعهٔ این نگاه، چنانچه در میان اهل نظر پذیرفته و آنگاه دنبال شود، در نهایت منجر به تدوین تاریخ تمدن واقعی بشر و آنچه بر این کرهٔ خاکی بر وی گذشته‌است خواهد شد. از آنجا که انقلاب اسلامی در دورهٔ معاصر، در آستانهٔ تمدن‌سازی قرار دارد، این حرکت می‌تواند کمک بزرگی به تبیین و مدیریت این فرایند مقدس باشد.

در مورد این کتاب، این نکته را باید حتماً در نظر داشت که در آن، هیچ ادعایی مبنی بر کمال کار و رسیدن به نظر و نظریه‌ای اثبات‌شده وجود ندارد. این نوشتار در واقع فرضیه‌ای است کلان و تمدنی، که نیاز به بررسی و مطالعات بیشتری از سوی اهل نظر دارد. این مطالعات در صورت رسیدن به نتیجه می‌تواند نقش بزرگی در جهت‌دهی به تولید علم دینی و فرایند تمدن‌سازی برخاسته از انقلاب اسلامی داشته باشد.

در نگارش این کتاب، امکان طرح نظریه و بسنده کردن به ذکر چند مثال



از تاریخ تمدن بشر وجود داشت، اما به نظر رسید شایسته است تا در قالب طرح و آزمون ابتدایی نظریه تلاش شود تا یک دور تاریخ تمدن بشر نیز با ویژگی‌های یادشده بیان شود تا هم از یک سو، بر اتقان کار افزوده شود و موارد بیشتری در دسترس استادان متخصص این حوزه برای همراهی و نقد گذاشته شود، و هم از سوی دیگر، دوره‌ای اجمالی از تاریخ تمدن در اختیار خوانندگان غیرحرفه‌ای قرار گیرد. در این سیر، گاه حوادث مهم یا به‌ظاهر مهمی از روند بررسی کنار گذاشته می‌شود و گاه نیز بر حوادثی ظاهراً خرد و ناچیز، تأملی غیرمعمول شده‌است. صرف‌نظر از مواردی که از کاستی دانش نویسنده سرچشمه می‌گیرد، دیگر موارد را باید به اقتضای این نوع ترکیب نسبت داد. امیدوارم این کاستی‌ها در نگارش‌های بعدی تاریخ تمدن مهدوی، به همت و کمک استادان و پژوهشگران ارجمند برطرف شود.

نگارش صفحات پایانی این کتاب در ایام زیارت مشهد مقدس و در ایام ولادت باسعادت ایشان در دهه کرامت انجام شد. بی‌دهه با ولادت کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، آغاز می‌شود و با ولادت امام رضا علیه السلام به پایان می‌رسد. در میانه این دهه نیز میلاد پسرور حضرت احمد بن موسی، شاهچراغ علیه السلام، قرار دارد. تاریخ بشر، به‌ویژه در سرزمین ایران، مدیون مظلومیت و هجرت سرنوشت‌ساز این بزرگواران به ایران است. این تلاش را خاضعانه به محضر پرفیض فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام تقدیم می‌کنم، به‌ویژه سلطانی که رضای خدا در رضای اوست.

چهارشنبه، سوم آذرماه ۱۳۸۹

شب عید غدیر ۱۴۳۱

محمدهادی همایون

